بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور
WWW.KONKUR.INFO

https://konkur.info

✡ « الدّرسُ السّادسُ » ✡ « اِرحَمُوا ثلاثَةً »

« الدَّهرُ يَومانِ : يَومٌ لَکَ و يَومٌ عَلَيکَ »

« روزگار است آن که گه عزّت دهد گه خوار دارد

چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد » «قائم مقام فراهانی»

**** درس نامه :**

ترجمه فعل مضارع (۲)

حروف جازمه { لَمْ ، لا : نهی ، لِ : أمر } حروفی هستند که بر سر فعل مضارع می آیند و ترجمه فعل را تغییر داده و علامت آخر فعل مضارع را عوض می کنند.

توضیح :

۱- **لَمْ :** بر سر فعل مضارع می آید و ترجمه مضارع را به ماضی منفی یا ماضی نقلی منفی تبدیل می کند. لَمْ يَکتُبْ : ننوشت / ننوشته است

۲- « لا » نهی (ناهية) : بر سر ١٤ صیغه ی مضارع می آید و ترجمه آن را به مضارع التزامی تبدیل می کند.

توجه : اگر حرف « لا » را بر سر ٦ صیغه ی مخاطب (دوم شخص) بیاوریم به صورت نهی (أمر منفی) ترجمه می شود.

مثال : لا تَيأسْ : نا امید نشو – لا تَيأسوا : نا امید نشوید.

https://konkur.info

و چنانچه بر سر صیغه های غائب (سوم شخص) و متکلم (اول شخص) بیاید ؛ « نباید یا باید نـ » ترجمه می شود.

مثال : لا یَرجِعْ : نباید بازگردد – باید باز نگردد لا یَرجِعْنَ : نباید بازگردند – باید باز نگردند

فرق لای نهی با لای نفی :

۱- لای نفی معنای مضارع را به مضارع منفی بدل می کند، ولی لای نهی به مضارع التزامی تغییر می دهد.

۲- لای نهی آخر مضارع را تغییر می دهد (مجزوم می کند) ولی لای نفی آخر مضارع را تغییر نمی دهد.

مثال : لایَعلمُ : فعل نفی : نمی داند ⟵ لایَعلَمْ : فعل نهی : نباید بداند (باید نداند)

انواع « لا »

- نفی (نافیه) + مضارع مرفوع / ترجمه ⟵ مضارع منفی
- نهی (ناهیهٔ) + مضارع مجزوم / ترجمه ⟵ مضارع التزامی منفی
- جواب : در جواب «أ» و «هَل» (آیا) به معنای « نه » می آید.
- نفی جنس : بر سر اسم می‌آید و معنای ((هیچ ... نیست)) می دهد .
- عطف (عاطفه) : بین دو کلمه یا جمله به معنی « نه » بکار می رود.

الف ــ نفی (نافیه) : بر سر مضارع مرفوع می‌آید و آن را منفی می‌کند، غیر عامل است، مثال : لایَقولُ : نمی گوید

ب ــ نهی (ناهیه) : برسر مضارع می‌آید و آن را مجزوم می‌کند، و معنای مضارع را به مضارع التزامی تبدیل می‌کند.

مثال: یَتکاسَلُ : تنبلی می‌کند ⟵ نهی ⟵ **لایَتکاسلْ** : نباید تنبلی کند (باید تنبلی نکند)

ج ــ جواب : معنای «نه» می‌دهد و در جواب «أ» یا «هَل» می آید. مثال: **هَل مازندرانُ مُحافظةٌ جَنوبیّةٌ ؟ لا ، شَمالیَّةٌ .**

دــ نفی جنس (ناسخه): (در درس اول سال دوازدهم می خوانید .)

هــ ــ عطف : معنای « نه» می‌دهد و بین دو جمله یا دو کلمه می‌آید و غالباً قبل و بعدش متضاد هستند .

مثال: هو فقیرٌ لا غنیٌّ : او فقیر است نه بی نیاز

** دقت کنید ؛ اگر فعل مضارع بعد از «لا» حرکت آخرش مشخص نباشد ، ممکن است بتوان آن را به هر دو شکل نفی و نهی ترجمه کرد . در این صورت فعلی است که دارای دو معنی می شود .

مثال : لایَذهَبُ التّلامیذُ إلی مکانٍ بَعیدٍ : (دانش آموزان به جای دور نمی روند یا نباید بروند.)

لام أمر غائب و متکلم (۸ صیغه) : لام امر «لِ» غائب و متکلم به معنای « باید» بر سرهشت صیغه فعل مضارع می آید و آن را مجزوم می‌کند و معنای فعل را به مضارع التزامی تبدیل می‌کنند. مثال : **لِیَجتَهِدْ**: باید تلاش کند .

** دقت کنید که «لِ» امر فقط بر سر شش صیغه ی غائب و دو صیغه ی متکلم می‌آید، بنابراین بر سر صیغه‌های مخاطب بکار نمی رود. مثلاً « **أنتم لِتَستَرِیحُوا** » نمی‌تواند جازمه (امر) باشد چون مخاطب است .

https://konkur.info

**** روش شناختن « لِ » أمر :** لام جازمه (أمر) در موارد زیر می‌آید :

الف ــ در اول جمله : **لیعتَمِدْ الإنسانُ علی نَفسِه** : انسان باید بر خودش تکیه کند.

ب ــ بر سرِ فعل مضارعی که خبر است : المسلمونَ لیواجهوا الآخرین بخُلقٍ حَسَنٍ : مسلمانان باید با دیگران به اخلاق نیکو برخورد کنند.(المسلمونَ:مبتدا/ لِیُواجِهُوا:فعل مجزوم و فاعلش ضمیر واو بارز و جمله خبراست، پس «لِ» جازمه است.

ج ــ در وسط جمله و بعد از مشتقات «قالَ» : **معلّمنا یقُولُ دائماً لِندرُسْ جیّداً:** معلم ما همیشه می گوید باید خوب درس بخوانیم.

د ــ بعد از حرف عطف یا ویرگول : **و علی اللّه فَلْیَتَوَکَّلِ المؤمنونَ** : پس مؤمنان فقط باید بر خدا توکّل کنند.

**** اگر حرف « لِ » أمر بعد از « وَ » یا « فَـ » بیاید ، ساکن تلفظ می شود . ولْـ.. / فَلْـ..**

مثال : (وَلْنَذکُرْ) : و باید به یاد آوریم / (فَلْیَعبُدُوا) : پس باید بپرستند.

خلاصه :

انواع لام «لِ»

- **ناصبه :** وسط جمله / قبلش فعل دیگری جز قالَ / معنای تا یا برای
- **جازمه (أمر) :** در اول جمله / بر سر خبر مضارع / بعد عطف و ویرگول / بعد قالَ/ باید
- **جارّه :** بر سر اسم می‌آید و آن را مجرور می‌کند و می تواند سه گونه معنی شود (مالِ، از آنِ ـ برایِ ـ داشتن) **لِلّه** : جار و مجرور: از آنِ خداوند است./ **لِلسّفَرِ** : برای سفر . / **لَنا کُتُبٌ** : کتابهایی داریم.

**** اگر حرف لِ بر سر ضمیر بیاید ، « لَ » تلفظ می شود بجز ضمیر « ی » / لَکُم ـ لَنا ـ لَهُ ـ لَکَ ـ لِی**

**** تغییرات آخر فعل مضارع با آوردن این حروف (لَم، لا، لِ أمر) و ادوات شرط (إن ، مَن ، ما) به شرح ذیل می باشد :**

۱- در صیغه هایی که فعل مضارع به ضمّه (ـُـ) ختم می شود ، ضمّه به ساکن (ـْـ) تبدیل می شود.

مثال : یَعْرِفُ : می شناسد ←ـــ لَم یَعْرِفْ : نشناخت، نشناخته است.

۲- در صیغه هایی که به « ن » ختم می شوند ، حرف « ن » حذف می شود . بجز در دو صیغه جمع مؤنّث غائب و جمع مؤنّث مخاطب . مثال : یَعرفونَ لَم یَعرِفوا / یَعرِفنَ لم یَعرِفنَ

https://konkur.info

مضارع مجزوم (حروف جازمه ؛ ادوات شرط)

خلاصه

مضارع مجزوم
- حروف جازمه (یک فعل مجزوم)
  - لَم
  - « لا » نهی (ناهیة)
  - « لِ » أمر غایب و متکلم
- ادوات شرط (دو فعل مجزوم)
  - حرف شرط : إن : اگر
  - اسم شرط : مَن : هر کس، ما : هر چه ، هر آنچه

تست نمونه با پاسخ تشریحی :

۱- عیّن الصّحیح عَن ترجمة الأفعال :

۱) لَم یَعلَموا : نمی دانند .
۲) فَلْیَتَوَکَّلْ : پس باید توکّل کند.
۳) لِتَتَکَلَّموا : باید صحبت کنید.
۴) لاتَیأسْ : نا امید نمی شوی.

۲- عیّن اللاّم النّاصبة « بمعنی ((تا)) فی الفارسیة »:

۱) المسلمات لِیُواجِهنَ حقائق الحیاة المرّة بالتّفاؤل ! (التَّفاؤل : خوشبینی)
۲) نحن نتناول الرّمان لِتَکوین الکریات الحمراء فی بدننا ! (الکُریات : گلبول ها)
۳) یا بناتی ؛ کَلِّمنَ الفائزات فی المسابقه لِتَفهَمنَ سرَّ نجاحِهنَّ !
۴) إنَّ الامتحانات تُساعِدُ الطّلاّب لِتعلُّم دُروسِهم فَلْیَعلَمُوا ذلِکَ !

۳- میّز الخطأ فی استعمال «لام الأمر» فیما یلی:

۱) هو یَجتَهِدُ = لِیَجتَهِدْ
۲) أنتَ تمنَعُ = لِتمنعْ
۳) هُنّ یَنجَحنَ = لِیَنجَحْنَ
۴) هم یُحِبُّون = لِیُحبُّوا

۴- عیّن «لا» النّافیة :

۱) إعلم أنّک لا تحصل علی النّجاح دونَ الاجتهاد !
۲) لاشکَّ فی أنّ هواء البحر هائج بشدّة هذه الأیّام!
۳) لا تعیشوا فی حیاتکم کالّذی یأمر الناس بالبخل !
۴) هل تَذهَبُ إلی شارع ؟ لا، أذهبُ إلی المَکتَبَة !

۵- عیّن « لا » یُمکِنُ أن یکونَ للنَّهی :

۱) لاتُحاولنَ إلاّ لتهذیب أنفسکُنَّ و تقدّم أولادکنّ!
۲) لا تُظهِرُ رأیَک ما دُمتَ لَستَ مُطْمَئِنّاً به!
۳) هو لایَکُونُ کَالَّذِینَ یَتکَلَّمُونَ دونَ وقتٍ و هدَفٍ !
۴) یا بنتی؛ لماذا لا تَسعَینَ فی سبیل تربیة ولدک الأخلاقیة!

https://konkur.info

۶- عيّن لام الأمر :

۱) لِيَعتَمِد الْمؤمن على نفسه و لا يَعتَمِد الآخَرينَ ! ۲) أُسافر إلى ذلک البلد لأُفَتِّشَ عن موضوعٍ مهمٍّ !

۳) أرسل الله الأنبياء لتؤمنوا به و برسوله ! ۴) جِئنا إلَيكُم لِتَقديمِ هداياكم فی المُسابَقَةِ !

۷- عيّن الخطأ فی التّرجمَة :

۱) لَم يَلِدْ : نزاده است. ۲) لَم تَبدَئی : شروع نكردی. ۳) لَم تَتَعَلَّموا : نياموخته ايد. ۴) لَم يُؤَلِّفْ : تأليف نمی كند.

پاسخ تشريحی تست ها :

۱- گزينه «۲» :

توضيح گزينه ها : ۱- **لَم يَعلَمُوا**= ماضی منفی و ماضی نقلی منفی : ندانستند، ندانسته اند.۲- چون «ل» بعد از « فـَ » آمده حتما معنای « بايد » می دهد و أمر است . ۳- **لِتَتَكَلَّموا** : چون لام بر سر صيغه مخاطب آمده است نمی تواند معنای « بايد » داشته باشد .بلكه تا معنی می شود . ٤- **لاتَيأسْ** :« لا » نهی است، زيرا آخر فعل ساكن است پس ؛ " نا اميد نشو " صحيح است .

۲- گزينه «۳» :

توضيح گزينه ها : ۱- چون فعل « **لِيُواجِهنَ** » خبر است برای المسلمات ، پس « **لِ** » أمر و به معنای " بايد " می باشد. ۲- **لِتَكوين** : « **تكوين** » مصدر باب تفعيل است و مصادر اسم هستند ، پس ؛ لِتَكوين : جار و مجرور است به معنای برای كامل كردن . ۳) « **لِتَفهَمنَ** » : چون در وسط جمله و بعد از فعل ديگری (**كَلِّمنَ**) آمده، لام تعليل يا ناصبه است به معنای " تا ؛ يا ؛ برای اينكه" ٤- « **لِتعلُّم** » : **تَعَلُّم** مصدر باب **تَفَعُّل** و اسم است پس ، جار و مجرور می باشد. « **فَليَعلَمُوا** » : لامی كه بعد از « وَ يا فَـ » می آيد جازمه (أمر) است و معنای بايد می دهد . فَليَعلَمُوا : بايد بدانند .

۳- گزينه «۲» :

أنتَ تَمنَعُ : ضمير و فعل مخاطب است . گفته شد كه فعل أمر به لام فقط شش صيغه غائب و دو صيغه متكلم دارد و بر سر صيغه های مخاطب نمی آيد. در گزينه سه هم چون جمع مؤنّث غائب است « ن » حذف نشده است.

٤- گزينه «۱» :

گزينه ها : ۱- بدان كه تو موفقيت را بدون تلاش بدست نمی آوری . ۲- « شكً » اسم است ، پس « لا » : نفی جنس است . ۳- « لا تعيشوا » : نهی است زيرا از آخر فعل « ن » حذف شده است : زندگی نكنيد. ٤- لا : حرف جواب است زيرا در جواب « هَل » به معنی " آيا " آمده است.

https://konkur.info

۵- گزینه «۱» :

صورت سؤال گزینه ای را می خواهد که نهی باشد . بیشتر مقصود ، درک و فهم صحیح سؤال است. (فعل نهی را پیدا کن !) : گزینه ها : ۱- « **لاتُحاولِنَ** » : می تواند نهی هم معنی شود پس جواب سؤال است ، بخصوص که ضمیر «**کُنَّ**» مخاطب است و دلالت بر نهی بودن فعل دارد . ۲ و ۳- اگر به آخر فعلِ « **لا تُظهِرُ و لایَکونُ** » نگاه کنید، می بینید که تغییری ندارند پس فعلِ نفی هستند. (آشکار نمی کنی ـ نمی باشد » . ٤- از « **لِماذا** » که کلمه پرسشی است می توان فهمید که « **لاتَسعَینَ** » فعلِ نفی است، ضمن اینکه حرف « ن » از پایانش حذف نشده است ، نهیِ این فعل می شود « **لاتَسعَی** » . ای دخترکم! چرا در راه تربیت اخلاقی پسرت تلاش نمی کنی؟

۶- گزینه «۱» :

گزینه ها : در گزینه (۱)« **لـِ** » اول جمله بر سر مضارع آمده پس لام أمر به معنی " باید " می باشد . در گزینه (**۲و۳**) « **لـِ** » **برسر فعل دوم جمله آمده بنابر این معنای تا یا برای می دهد. ر گزینه (۴)** « تَقدیم » اسم است پس **لـِ حرف جر است** (**لِتَقدیمِ : جار و مجرور**).

۷- گزینه «۴» :

لَم + فعل مضارع مجزوم ← ماضی منفی ← تألیف نکرد

لَم یؤَلِّف ← ماضی نقلی منفی / ← تألیف نکرده است

https://konkur.info

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور
WWW.KONKUR.INFO

https://konkur.info